فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹٦
صفحات ٤٥ – ٥٨

جریان‌های سنتی، اصلاح‌طلبی و روشنفکری دینی در میان مسلمانان اندونزی[۱]

محمودرضا اسفندیار[۲]
فائزه رحمان[۳]

چکیده

مهم‌ترین جریان‌های فکری اسلامی در اندونزی، جریان اسـلام سـنتی، اصـلاح‌طلبـی دینی و جریان روشنفکری یا الهیات لیبرال است. جریان اسلام سنتی میراث‌دار فرهنگ اسلامی، جریان اصلاح‌طلبی دینی تحت تأثیر مراکز اسلامی در خاورمیانه ماننـد مکـه، مدینه و قاهره و جریان روشنفکری دینی یـا الهیـات لیبـرال تحـت تـأثیر اندیشـمندان نواندیش مسلمان مانند فضل‌الرحمـان اسـت. پرسـش اصـلی پـژوهش حاضـر بررسـی جریانهای فکری اسلامگرایی در جهان مالایی خصوصا در مجمع‌الجزایر اندونزی است. این پژوهش بـا روش توصـیفی- تحلیلـی و اسـتفاده از منـابع اصـلی، ضـمن بررسـی مهم‌ترین ویژگی جریانهای اسلام سنتی، اصلاح طلبی و روشـنفکری دینـی در جهـان مالایی خصوصا در مجمع‌الجزایر اندونزی، نشان داده است که جریان اصلاح‌طلبی دینی پیش از دوران مدرن، چگونه شکل‌گرفت و جریان سنتی چه واکنشی در برابر آن داشت. در نهایت دورنمایی از وضع این سه جریان در اندونزی ارائه شده‌است.

کلیدواژه‌ها: اسلام سنتی، اصلاح‌طلبی دینی، الهیات لیبرال، روشنفکری دینی، اندونزی.

---

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی جریان‌های عمده دینی در جهان مسلمان مـالایی (دوران پسـا استعماری)» است که با حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر به اجرا درآمد.

۲. دانشیار گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر (نویسنده مسئول). mresfandiar@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی گروه مطالعات شبه قاره هند، شرق و جنوب شـرقی آسـیا بنیـاد دایـره‌المعـارف اسـلامی. ahmanfaezeh@gmail.com

دریافت: ۹٦/۰٤/۲۰ پذیرش: ۹٦/۰٦/۳۱

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

مقدمه

دنیای اسلام گستره‌ای وسیع از شرق تـا غـرب جهـان را بـه خـود اختصـاص داده است. امروزه بیشترین تمرکـز جمعیـت مسـلمانان جهـان، نـه در خاورمیانـه بلکـه در جنوب شرقی آسیا، در محدوده‌ای است که از جنوب تایلند به طرف مالزی، سـنگاپور، برونئی و اندونزی گسترش می‌یابد و تـا جنـوب فیلیپـین را دربـر مـی‌گیـرد. انـدونزی بزرگترین جمعیت مسلمان را در بین کشورهای جنوب شرقی آسیا و تمـام کشـورهای مسلمان از آن خود کرده است. بر اساس سرشماری سـال ۱۳۸۸ش/۲۰۱۰، از جمعیـت دویست و سی و هفت میلیون نفری اندونزی، دویست و هفت میلیون نفر مسـلمان‌انـد (Badan Pusat Statistik). این میزان حدود ۸۸٪ جمعیـت ایـن کشـور و حـدود ۱۳٪ از جمعیت یک‌ونیم میلیاردی مسلمان سراسر دنیا است. بیشترین تراکم جمعیتی مسلمانان در مرکز و جزایر غربی اندونزی است. تقریباً همه مسلمانان اندونزی سنّی مذهب‌انـد و اقلیتی از شیعیان نیز در این کشور زندگی می‌کنند. جامعه اسـلامی انـدونزی، از لحـاظ کثرت گروه‌های قومی، طبقات اقتصادی و اجتماعی، گرایش‌هـای سیاسـی و تمـایلات فرهنگی از تنوع زیادی برخوردار است (Badan Pusat Statistik).

اسلام از بدو ظهور و گسترش در اندونزی، مؤلفه‌ای بسیار مهم در همه ابعادِ حیـات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان اندونزی به شمار می‌رود؛ به‌طوری که مـی‌تـوان تاریخ اسلام در اندونزی را به دو بخش پیش و پس از استعمار تقسیم کرد. با اینکـه در دوران جدید نقش اسلام تا حدودی نسبت به دوران پیشا استعماری کم‌رنگ شده است، اما همچنان مهم‌ترین عامل اثرگذار در مناسـبات سیاسـی و اجتمـاعی و فرهنگـی ایـن سرزمین به شمار می‌رود. شناخت ابعاد مختلف سیاسـی، اجتمـاعی، فرهنگـی و دینـی جوامع مسلمان این منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار است و به مـا بـرای درک بهتـر تحولات گوناگون این جوامع و در نتیجه برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای گسترش مناسـبات و تعاملات اثرگذار با این جوامع یاری می‌رساند. امروزه اهمیت جنـوب شـرقی آسـیا بـه خصـوص انـدونزی از جهـات فرهنگـی و سیاسـی و اقتصـادی و تأثیرگـذاری آن بـر تحولات جهان اسلام، بیش از پیش آشکار شده است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

در میان مسلمانان اندونزیایی سه جریان عمده دینی را می‌توان مشاهده کـرد: جریـان اسلام سنتی که خود را وارث فرهنگ اسلامی و دیرپایِ این منطقه می‌دانـد و در واقـع باید آن را اسلام اندونزیایی، یعنی اسلامی که آمیخته با فرهنـگ بـومی اسـت و بسـیار رنگ و بوی عرفانی و صوفیانه دارد، دانست. جریان اصلاح‌طلبی و نـوگرایی دینـی، از دیگر گرایش‌های مهم در تفکر اسلامی در این منطقه است. منظور از اصـلاح طلبـی و نوگرایی دینی، جریان تحت تأثیر اصلاح‌طبان و سـلفیانِ عمـدتاً مصـری نظیـر عبـده و رشیدرضا، در پی زدودن اسلام از خرافات است و می‌کوشد دستاوردهای نـوین غربـی در حوزه آموزش و فناوری برای بازسازی و تقویت جوامع اسلامی را به منظور بازیابی اقتدار گذشته اسلام به کار گیرد. جریان روشنفکری دینی و الهیات لیبرال نیز با تفکیک دین از سیاست و تأکید بر نفی اسلامِ سیاسی می‌کوشد از اسلام، قرائتی به دست دهـد که با ارزش‌های دنیای مدرن در تعارض نباشد.

در این مقاله این سه جریانِ عمده دینی در اندونزی یعنی جریان اسلام سنتی، اصلاح طلبی و نوگرایی دینی و جریانِ روشنفکری یا الهیات لیبـرال از اواخـر سـده سـیزدهم/ نوزدهم تا دوره معاصر بررسی خواهد شد.

پیشینه تحقیق

در حوزه این پژوهش تاکنون کتاب یا مقاله مستقلی به فارسی منتشر نشده است. سه کتاب زیر تا حدودی به موضوع جریان‌های دینی در جنوب شرقی آسیا توجه کرده‌انـد: *تمدن اسلامی در سرزمین‌های مالایی*، به کوشش تائب عثمان و ترجمه محمدجواد ناطق پور و همکاران را سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مرکز تحقیقات تـاریخ، هنـر و فرهنـگ اسـلامی در سـال ۱۳۸۰ش منتشـر کـرد. ایـن کتـاب مجموعـه‌ای از مقـالات دانشمندان مختلف، در معرفی چهره تمدن اسلامی در جنـوب شـرقی آسـیا اسـت کـه متأسفانه این ترجمه، بسـیار مغلـوط و غیـر قابـل اسـتفاده اسـت. *انـدونزی و سیاسـت بین‌الملل*، تألیف محمد خوش هیکل آزاد و به سفارش مرکـز آمـوزش و پـژوهش‌هـای بین‌المللی و توسط اداره نشر وزارت امور خارجه در سـال ۱۳۹٤ش بـه چـاپ رسـید. *قومیت‌های مسلمان در جنوب شرق آسـیا: بـه انضـمام جریـان‌شناسـی جماعـت اسـلامی*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

القاعده، تألیف علی‌اکبر ضیائی است که توسط نشر بین‌المللی امین منتشر شده است. این اثر به بیان گرایش‌های مختلف دینی، از تصوف اعتدالی تا وهابیت افراطی و تشکیل گروه‌های مسلّحِ تندرو به نام گروه‌های جهادی در جنوب شرقی آسیا می‌پردازد.

جریان اصلاح‌طلبی دینی

از اواخر سده سیزدهم/نوزدهم، روابط دینی میان مجمع‌الجزایر اندونزی و شبه جزیره مالایی و سرزمین‌های اسلامی نظیر مکه و مدینه و مصر و بغداد شکل تازه‌ای به خود گرفت و از اوایل سده چهاردهم/بیستم تحت تأثیر مصلحان دینی مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی (د ١٣١٤ق/١٨٩٧) و محمد عبده (د ١٣٢٣/١٩٠٥) و رشید رضا (د ١٣٥٤ق/١٩٣٥)، اصلاح‌طلبی جدید اسلامی در میان مسلمانان مالایی گسترش یافت. در واقع میراث محمد عبده از نخستین دهه‌های سده چهاردهم/بیستم در تغذیه گفتمان نوگرایی و اصلاح‌طلبی اسلامی در اندونزی مؤثر بوده است. همگام با تحولات جهانی، مبارزات مسلمانان اندونزی در شکل‌های جدیدی پا به عرصه وجود گذاشت. آنها تحت تأثیر تحولات خاورمیانه که بیشتر ایدئولوژیک و آموزشی ارزیابی می‌شود و برخی عوامل دیگر، به تشکیل گروه‌ها و تشکیلات اسلامی در ابعاد آموزشی و اجتماعی و سیاسی دست زدند. اصلاح‌طلبان اندونزی بر زدودن اسلام از بدعت‌ها و گشودن باب اجتهاد برای انطباقِ تعالیم اسلام با شرایط روز و همچنین بهره‌مندی از دانش‌های جدید غربی تأکید می‌کردند (Ricklefs, 202-203; Noer, 59, 73-100; Eliraz, 402).

در چنین وضعیت و زمینه‌ای اهمیت، جایگاه و تأثیر نشریاتِ اصلاح‌طلبی مانند *المنار* بر شکل‌گیری جریان اصلاح‌طلبی اسلامی در میان مسلمانان مالایی آشکار می‌شود. این نشریه نه تنها به‌طور مستقیم به واسطه مقالاتش بر گسترش اصلاح‌طلبی اسلامی مؤثر واقع شد، بلکه از آن حیث که الگویی برای انتشار مجلات مشابه در این منطقه بود، اهمیت دارد. از جمله این نشریات می‌توان به *الإمام* و *المنیر* اشاره کرد (Azra: 1997, 143; Hamid, 241-242; Mutalib, 28). *الإمام* نخستین نشریه نوگرایی و اصلاح‌طلبی اسلامی در شبه جزیره مالایی به شمار می‌رفت که در قالب ماهنامه در سال ١٩٠٦/١٣٢٤ به چاپ می‌رسید و در مجمع‌الجزایر اندونزی نیز تیراژ گسترده‌ای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

داشت. این نشریه را سیّد شیخ‌الهادی- مروّج نوگرایی اسلامی، پیشگام در ادبیات نوین مالایی، معلّم و روزنامه‌نگار در مجمع‌الجزایر مالایی و متوفی ۱۳۵۲/ ۱۹۳٤ - با همکاری سیّد شیخ بن محمد طاهر جلال‌الدین (اصلاح‌گرای مینانگکابائویی[1])، شیخ محمد بن سلیم کلالی (اصلاح‌گرای حضرمی اهل آچه)- که هر دو در دانشگاه الأزهر و مکه درس خواندند و تحت تأثیر جریان اصلاح‌طلبیِ محمد عبده قرار داشتند- و حاجی عباس محمد طاها (اهل سنگاپور)، در پنانگ[2] تأسیس کرد) .Roff, 159, 167; Hashim, 95; Haji Salleh, 6) فعّالیت‌های سیّد شیخ‌الهادی با نفوذ حکومت استعماری بریتانیا، بیداری سیاسی در میان مالاییان و گذار از دوره پیشااستعماری به پسااستقلال مقارن بود (Tan, 121, 137, 158; Syed Husin Ali, 17-18). او در کنار دیگر رهبران دینی جوان یا «کائوم مودا»[3] و اصلاح‌طلبانی نظیر شیخ طاهر جلال‌الدین، در جستجوی طرحی از اصلاح اجتماعی بود که مبتنی بر اصول و تفکّر اسلامی و هماهنگ با اندیشه‌های مدرن علمی باشد. در حقیقت آنها از یک سو در پی زدودن عقاید غیر عقلانی از تعالیم اسلامی و از سوی دیگر در پی توسعه آموزش‌های علمی نوین بودند (Tan, 137; Milner, 138; Haji Salleh, 6; Syed Husin Ali, 18, 70). همچنین نشریه *المنیر* را حاجی عبدالله احمد در پادانگ در سوماترا منتشر می‌کرد. او در گسترش اندیشه‌های نوگرایی اسلامی در مجمع‌الجزایر اندونزی با شیخ طاهر جلال‌الدین همکاری داشت (Hamid, 242).

با قدرت گرفتن جریان‌های اصلاحی، انتقادات آنها نسبت به اسلام سنّتی فزونی یافت. انتقادات اصلاح‌طلبان به سنت‌گرایان این بود که بدعت‌ها و خرافات سده‌های پیشین مسلمانان را منحرف ساخته و به ضعف و سستی دچار کرده است. در نتیجه، اسلام شکوفایی فکری و علمی سده‌های نخستین را از دست داد و موجب شد قدرت‌های استعمارگر اروپایی در سده سیزدهم/نوزدهم به آسانی بر کشورهای مسلمان تسلّط یابند. اصلاح‌طلبان، تجدید حیات اسلام و انطباق آن با جهان امروز را در گروی پیراستن ایمان و عقیده از ناخالصی‌ها و بازگشت به تعالیم نخستین قرآنی و اقتدا به

1. Minangkabau
2. Penang
3. Kaum Muda

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

پیامبر اسلام می‌دانستند. از نظر آنها مسلمانان به فراگیری پیشرفت‌های غربی در تعلیم و تربیت و علوم سیاسی نیاز دارند و باید چیزهایی را کـه در اسـلام حـرام نیسـت و بـه پیشرفت جوامع اسلامی کمک می‌کنـد، از غربـی‌هـا یـاد بگیرنـد. مؤسـس نـوگرایی و اصلاح‌طلبیِ اسلامی در اندونزی، سازمان محمدیه است که اکنون به جمعیت بیسـت و پنج تا سی میلیونیِ طرفدارانش افتخار می‌کنـد (Fealy, Hooker and White,40.). کیـائی حاجی احمد دهلان[1]، متأثر از مدارس علمیه خاورمیانه محمّدیه را در سال ۱۹۱۲/۱۳۳۰ تأسیس کرد. وی دست به یک نهضت بزرگ آموزشی و اجتماعی و اصـلاحی زد و بـا تأسیس مدارس جدید و حذف جنبه‌های خرافـاتی از فرهنـگ و رسـوم مـردم منطقـه، کوشید ارزش‌هـای اسـلامی را بـا نیازهـای آموزشـی و اجتمـاعیِ معاصـر وفـق دهـد (Noer, 73-74; Lapidus,762; Hooker, 84-85). محمّدیـه ضـمن پـذیرش برخـی از صورت‌های فرهنگ غربی، خواستار احیای اسلام است و بـه عبـارت دیگـر، از اسـلامِ مدرن جانبداری می‌کند؛ بنابراین به‌طور مستقیم به امـور پیشـاهنگی و کنتـرل جمعیـت توجه کرده است. به ایـن ترتیـب از گـرایش‌هـای سـنتی و عقـل‌گرایـی در کنـار هـم بهره‌برداری کرده است (Syamsuddin, 218-274). محمدیه در پیروی از اسلام سیاسـیِ میانه‌رو به جای جهاد، به دنبال اجتهاد و ارزش‌های تکثّرگرا است و با طرح اسـلام بـه عنوان «رحمه للعالمین» به مبارزه فرهنگی با تروریسم پرداختـه اسـت. تأسـیس مجمـع جهانی صلح و امضای یادداشت تفاهمِ همکاری‌های آموزشـی بـا اسـترالیا در تبـادلات فرهنگی، تقویت دموکراسی، حکمرانی صالح، توسعه تسامح در جامعـه و ارتقـاء رفـاه مردم از نمونه اقدامات محمدیه است (Indra Putri, 3-7).

جریان اسلام سنتی

ظهور جنبش‌های اصلاح‌طلب اسلامی که بر اصلاحات دینی و استفاده از روش‌های نوین آموزشی و فعّالیت‌های سیاسـی تأکیـد مـی‌کردنـد، واکـنش علمـای سـنّت‌گـرای اندونزی را در پی داشت. آنها با تأسیس تشکّل‌هایی مانند «اتحادیه علمای مینانگکابائو» در سال ۱۹۲۱/۱۳۳۹ و به دنبـال آن نهضـت‌العلمـاء در سـال ۱۳۰٤ش/۱۹۲٦ درصـدد

1. Kijahi Haji Ahmad Dahlan

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

مقابله با موسّسات و سازمان‌هایی نظیر محمّدیه برآمدند (Lapidus, 754). ایـن علمـا در سراسر اندونزی، مدارس مذهبی و مؤسسـات آموزشـیِ معـروف بـه پسـنترن[1] را اداره می‌کردند. در سال ۱۹۲۰/۱۳۳۸ عالم وهب حسب‌الله[2] با همکاری دوستانش، محفلـی را برای مباحثات علمـی بـه نـام تصـویرالافکار[3] تأسـیس کـرد کـه ایـن محفـل، مدرسـه نهضـت‌الـوطن[4] را بنیـاد نهـاد. هاشـم اشـعری بـه همراهـی عبـدالوهب حسـب‌الله[5]، نهضت‌العلما[6] را تأسیس کردند. سازمان نهضت‌العلما امروزه مدّعی است که سی و پنج تا چهل میلیون عضو دارد و خود را بزرگترین سازمان اجتماعی اسلامی مـی‌دانـد. ایـن سازمان اسلامی، از مذهب تسنّن پیروی می‌کند و پایگاه‌های روسـتایی قـوی در مرکـز جـاوه و کالیمانتـان و سـوماترا و نوسـاتنگارا در اختیـار دارد. گفتنـی اسـت سـازمان نهضت‌العلما چهار مکتب فقهی اسلامی (شافعی، حنبلی، حنفی و مالکی) را به رسمیّت می‌شناسد (Tamara, 372-373; Fealy, Hooker and White, 40.).

نهضت‌العلماء که با هدف صیانت از اسلام سنّتی تأسیس شده بود، افزون بر شریعت اسلام، آداب و رسوم صوفیان را نیز تأییـد مـی‌کـرد و صـوفیان را معنـوی‌تـرین گـروه مسلمانان می‌دانست. ظهور این جنبش، تحول ژرف و مهمّی در ساختار جامعه اسلامی و سنّتی جاوه ایجاد کرد. سنّت‌گرایان جهان را ثابت و بدون تغییر می‌دیدنـد، در حـالی که اصلاح‌طلبان بـه جهـانی کـه دائمـاً در حـال تغییـر اسـت، بـاور داشـتند. همچنـین سنت‌گرایان بر ابعاد عرفانی و رازآلودِ دین تأکید می‌کردند. از نظر آنها تنها نماز و روزه و تلاوت قرآن است که در آدمی آرامش درونی به وجود می‌آورد (Lapidus, 765).

جریان روشنفکری دینی و الهیات لیبرال

جریان روشنفکری دینی در اندونزی شامل طیف‌های مختلفی است و تقریباً همه آنها به جدایی دین از دولت و تقویت اسلام فرهنگی در برابر اسلام سیاسـی و تکثرگرایـی دینی تأکید دارند. از شخصیت‌های اثرگذار در جریان روشنفکری اسلامی باید از احمد

1. Pesantren
2. Wahab Chasbullah
3. TaswirulAfkar
4. Mdrasah Nahdatul Watan
5. Abdul Wahab Hasbullah

٦. نهضت العلما (Nahdatul Ulama) به اختصارNU خوانده می‌شود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

سوکارنو[1] (د ۱۳٤۹ش/۱۹۷۰) – از رهبران مسلمان مبارزات ضدّ استعماری انـدونزی و اوّلین رئیس‌جمهور این کشـور از ۱۳۲۳ش/ ۱۹٤٥ تـا ۱۳٤٤ ش /۱۹٦٦– یـاد کـرد. او ضمن اعتقاد به ملّی‌گرایی، بر اتّحاد آن با اسلام و مارکسیسم تأکید داشت و بـر همـین اساس در مجموعه مقالاتش که در ۱۳۰٤ش/۱۹۲٦ در نشریه *اندونزیا موئدا*[2]، بـه چـاپ رسید، بر عدم تفاوت واقعی بین ملّی‌گرایی، اسلام و مارکسیسم بـه عنـوان ایـدئولوژی تأکید کرد و اظهار داشت که هر یک از این سه، می‌تواند مبنای ایـدئولوژیکِ مبـارزاتِ استقلال‌طلبانه اندونزی باشد (Legge, 68-69, 81-83; Purwanto, 3/1226). با ایـن حـال سوکارنو به‌خصوص پس از استقلال اندونزی، بر فردی بودن دین تأکید می‌کـرد. او بـه جدایی دین از سیاست باور داشت و موافق دخالت دیـن بـه حـوزه‌ای فراتـر از امـور مذهبی نبود. البته سوکارنو گـرایش‌هـای اسـلامی خـود را پنهـان نمـی‌کـرد و خـود را مسلمانی دموکرات می‌دانست. از نظر او در کشوری مانند اندونزی بین سیاست و دین، تنها دو حالت متصوّر است: وحـدت دیـن و سیاسـت بـدون دموکراسـی یـا وحـدت دموکراسی و سیاست بدون دین. او حالت دوم را ترجیح می‌داد چراکـه از نظـر وی در این صورت احکام اسلامی نادیده گرفته نمی‌شد و مجلس می‌توانست آنهـا را در بطـن قوانین دولتی بگنجاند (Adams, 198-199; Noer,.286-287.). در مقابل، محمد ناصـر[3] (د ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳) از اسلام‌گرایان اندونزی و رهبر حزب اتحـاد اسـلام بـه مخالفـت بـا اندیشه‌های غربی و ملی‌گرایانه سوکارنو برخاست و تأکید کـرد کـه اسـلام همـه ابعـاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. در واقع رهبران اصـلاح‌طلبـی و نـوگرایی اسـلامی، بـا ملّی‌گرایی مخالف بودند و آن را دستاوردی بشری می‌دانستند؛ در حـالی کـه اسـلام از نظر آنان، مبتنی بر وحی الهی است و اعتقادات و احکام اسلامی باید به عنوان حقیقتـی تغییرناپذیر همواره بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها حاکم باشـد (Noer, 320-322, 393-394; Ricklefs, 298-299). سوکارنو با تدوین و ساماندهی «پانچاشیلا»[4] یا پنج اصل

1 . Skarno
2 . Indonesia Moeda
3 . Mohammad Natsir
٤. پانچاشیلا (Pancashila) واژهٔ سانسکریت، به معنای پنج (Panca) اصل(shila) است. این واژه در آیین بودا بـه پنج اصل اخلاقیِ اجتناب از قتل ، دزدی ، دروغ ، زنا و شراب خواری اطلاق می شود. سوکارنو ٥ اصل مورد ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

کـه در واقـع نشـان دهنـده فلسـفه اجتمـاعیِ پرنفـوذترین رهبـران ملـی‌گـرا و حاوی اندیشه‌های رایج در جامعه انقلابی و استعمارستیزِ اندونزی پس ازجنگ جهـانی دوم بـود و از پـیش در اذهـان تحصـیل‌کردگـانِ انـدونزی وجـود داشـت، آمیـزه‌ای از دموکراسی غربی، نوگرایی اسـلامی، مارکسیسـم و دموکراسـی روسـتایی و بـومی و پاره‌ای عقاید اشتراکی (کمونیستی) را به توده مردم ارائـه داد. بـه ایـن ترتیـب پـذیرش پانچاشیلا در اندونزی، به معنی جدایی دین از سیاست و یا همـان سکولاریسـم اسـت (Cribb, 3/1017; Lapidus, 1062; Eliraz, 391). تجدّدگرایان و روشنفکران دینی سکولار با پذیرش ایدئولوژی پانچاشیلا در دوران سوهارتو، به گسترش جدایی دین از سیاست و جایگزینی اسلام فرهنگی به جای اسـلام سیاسـی کمـک کردنـد. محمـد سـوهارتو[1] (د ۱۳۸۷ش/۲۰۰۸، دومین رئیس جمهور انـدونزی) در سـال ۱۳٦۹ش/۱۹۹۰ سـازمانی به نام «انجمـن روشـنفکران مسـلمان»[2] را تحـت کنتـرل دولـت و بـه منظـور تحقیـق و گسترش اندیشه‌های تجددگرایانه درباره اسـلام و ارتبـاطش بـا دولـت در انـدونزی تأسیس کرد تا با حفظ و تقویت ماهیت سکولار حکومت، جریان‌های اسلام‌گـرا را کـه خطری بالقوه برای قدرت او به شمار می‌رفتنـد، تضـعیف کنـد. بـا رشـد جریـان‌هـای اسلامیِ افراطی پس از دوران سوهارتو، اهمیت و ضرورت ارتباطِ جریان‌های اسـلامی لیبرال با یکدیگر برای صف‌آرایی در برابر افراط‌گرایی اسلامی، بیش از پـیش احسـاس می‌شد (Eliraz, 384, 391; Gross, 93).

جریـان اسـلامِ لیبـرال[3] در انـدونزی از اواخـر دهـه ۱۳۳۹ش/۱۹٦۰ و اوایـل دهـه ۱۳٤۹ش/۱۹۷۰ آغاز شد. فضل‌الرحمان، متفکّرِ تجدّدگرای پاکستانی-آمریکایی در ایجاد جریان فوق‌الذکر تأثیر زیـادی داشـته اسـت. ایـن جریـان را انـدونزی شخصـیت‌هـای برجسـته‌ای نظیـر هـارون ناسـوتیون[4] (د ۱۳۷۷ش/۱۹۹۸)، منـوّر شـاذلی[5] (د

نظر خود را بدین صورت مطرح کرد: اعتقاد به خدای یکتای متعال، انسان دوستی متمدّنانه و عادلانه ، وحدت اندونزی، حاکمیت مردم بر اساس سیاست های خردمندانـه کـه حاصـل مشـاوره و تعـاون اسـت، و عـدالت اجتماعی برای همه مردم اندونزی.

1 . Suharto
2 . the Association of Muslim Intellectuals (ICMI)
3 . Islam Liberal (liberal Islam)
4 . Harun Nasution
5 . Munawir Syadzali

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

۱۳۸۳ش/۲۰۰٤)، نورخـالص مجیـد[1] (د ۱۳۸٤ش/۲۰۰۵)، عبـدالرحمان وحیـد[2] (د ۱۳۸۸ش/۲۰۰۹)، احمد الحبیب[3] (د ۱۳۵۲ش/۱۹۷۳) و جوهـان افنـدی[4] بنیـاد نهادنـد (Eliraz, 383). این دوران مصادف بود با درگیری دو جریان فکری در انـدونزی: یکـی جریانی که از حکومتِ سکولار دفاع می‌کرد و دیگـری، جریـانی کـه سـودای تشـکیل حکومت اسلامی در سر داشت. جریان اسلام لیبرال در این میـان رویکـردی جدیـد را مطرح کرد که بر مبنای آن تنها با تفسیری نو از الهیات اسـلامی مـی‌تـوان بـه درسـتی، نسبت اسلام و سیاست را بازخوانی کرد. آنهـا بـر اجتهـادِ بافتـاری[5]، بـه عنـوان روش استدلالی و مستقلِ الهیّاتی تأکید می‌کردند. منظور از اجتهادِ بافتاری، توجه بـه زمینـه و شرایط (بافتار) در فهم و تفسیر و قرائت دین است. به این ترتیب آنها امیدوار بودند که اسلام را با شرایط و ویژگی‌های روز مجمع‌الجزایر انطباق دهنـد و رویکـرد مسـلمانان اندونزیایی به مدرنیزاسیون را که پیوند نزدیکی با برنامه‌های توسـعه نظـم نـوینِ رژیـمِ سوهارتو داشت، هماهنگ و همراه سازند. آنها ضمن قبول مدّعای دایمی و ثابت بـودن اسلام، فهم و تفسیر مسلمانان از قرآن و سنت را متغیّر و متناسب با شرایط و مقتضیات زمان دانستند. از نظر آنان ادّعای تشکیل حکومت اسلامی، فاقد دلایل روشـن و قطعـی در قرآن و سنّت است. بدین ترتیب از نظر ایـن جریـان، اسـلام مجموعـه‌ای از تعـالیم تفسیرپذیر و غیر ایدئولوژیک است. بر همین اساس، فهم مسـلمانان از دیـن نبایـد بـه مکان و زمان خاصی محدود شود و به عبارت دیگر با تفسیر ایدئولوژیک از اسـلام بـه مخالفت برخاستند. در این دیدگاه فقط خدا حقیقت مطلق است و هیچ کسی نمی‌تواند مدعی دریافت و شناخت واقعیتِ مطلقِ اسلام باشد و به همین دلیـل هـم کسـی حـق ندارد قرائت خود از اسلام را حقیقی‌تر از قرائت دیگران بداند. بنابراین مسلمانان باید به تسامح و تساهل دینی چه در مواجهه با مسلمانان و چـه غیـر مسـلمانان پایبنـد باشـند (Eliraz, 385-386; Effendy, 62-79; Azra, 51).

گفتنی است اسلام لیبرال در اندونزی در میان روشنفکران مسلمان جـوان انـدونزی،

1 . Nurcholish Madjid
2 . Abdurrahman Wahid
3 . Ahmad Alhahib
4 . Djohan Effendi
5 . contextual ijtihad (ijtihad tekstual)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

موقعیت بسیار مهمی یافته و بر حیات روشنفکری اندونزی و نیز فضای عمومی جامعه تأثیرگذار بوده است. از دهه ۱۳۵۹ش/۱۹۸۰ افزایش علاقه به اسلام، روشنفکران و بسیاری از مسلمانان طبقه متوسط شهری را به آرمان‌های اسلام لیبرال و فهم مترقّی‌تر از اسلام سوق داده است (Eliraz, 391, 403).

نتیجه‌گیری

اسلام سنتی در اندونزی بیشتر رنگ و بوی عرفانی دارد و حاصل آمیزش اسلام صوفیانه با ارزش‌های بومی مردم این منطقه است. جریان اسلام سنتی در عصر جدید با چالش‌های گسترده‌ای مواجه شده است. از یک سو جریان اصلاح‌طلبی دینیِ خاورمیانه مانند جریان سلفی و وهابی و از سوی دیگر جنبش‌های روشنفکری دینی سکولار با اسلام سنتی به معارضه پرداخته‌اند. بنیادگرایی اسلامی نیز که از تفکرات اسلام‌گرایانِ تندرو تغذیه می‌کند، مهم‌ترین چالش اسلام سنتی به شمار می‌رود. در مقابل، اسلام سنتی نیز کوشیده است ضمن حفظ هویت تاریخی‌اش، تا حدودی به بعضی اصلاحات تن دهد و از سوی دیگر با تأسیس انجمن‌ها و تشکّل‌های فرهنگی و اجتماعی همچنان از جایگاه و نقش ممتازش در جامعه بزرگ مسلمان این کشور صیانت کند. مهم‌ترین نماینده اسلام سنتی در اندونزی، نهضت‌العلماء است. به نظر می‌رسد این جریان با هماهنگ‌سازی خود با پیشرفت و ارزش‌های دوران جدید و نیز پالایش پاره‌ای از باورهای سنتیِ خرافی و نامعقول بتواند همچنان به حضور قدرتمند خود در جامعه اندونزی ادامه دهد.

جریان اصلاح‌طلب و نوگرای اسلامی که انجمن محمدیه معرّف آن است، ضمن مخالفت با اسلام سنتی و تأکید بر اصلاح تفکر دینی، نیم‌نگاهی نیز به توسعه و پیشرفت دارد و محتاطانه از الگوهای غربی تا جایی که به اهداف اسلامی آن خدشه وارد نکند، بهره می‌برد. مهم‌ترین چالش جریان اصلاح‌طلب و نوگرایی اسلامی این است که در دام افراط‌گرایی اسلامی نیفتد و از میانه‌روی دور نشود. به نظر می‌رسد این جریان با قوت در مسیر عقلانیت و اعتدال در میان مسلمانان اندونزی گام برخواهد داشت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

جریان اسلام لیبرال که یکی از مهم‌ترین نمایندگان آن، نورخالص مجید است، در میان فرهیختگان و طبقه متوسط جامعه با اقبالِ رو به رشدی مواجه شده است. این جریان توانسته است به خوبی خود را با ارزش‌های دوران جدید هماهنگ سازد و به پشتوانه نیروی اندیشمندانِ جوانی مانند اولی الابصار به پیش برود و برای آینده‌ای روشن زمینه‌سازی کند.

در کنار اینها باید از جریان ضعیف‌تری نیز، که همان جنبش‌های افراطی و سلفی وتکفیری است، یاد کرد. این جریان البته چندان با استقبال عمومی مواجه نشده است زیرا در طبیعتِ اسلام اندونزیایی روح میانه‌روی و تسامح و مدارا غالب است و سنت روشنفکرانه کثرت‌گرایی از سده‌ها پیش، ممیزه تفکر دینی در اندونزی بوده است. حتی در دوران ماقبل مدرن نیز علما و حاکمان شرع در صدد تحمیل قرائت‌های یکسونگرانه خود بر جامعه مسلمان مالایی نبودند. البته ناگفته نماند این جریان می‌تواند در صورت تضعیف آن سه جریان اصلی، قدرت بگیرد و جامعه اندونزی را که علی‌رغم همه فراز و نشیب‌ها از تفکر متعادل اسلامی عدول نکرده است، با چالش‌های جدی روبرو کند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

منابع

- Adams, Cindy, Sukarno: An Autobiography as Told to Cindy Adams, Bobbs-Merrill,U.S.A, 1965.
- Azra, Azyumardi (1997), "Education, Law, Mysticism: Constructing Social Realities", in Islamic Civilization in the Malay World, Ed. By Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur and Istanbul, 1997.
- Badan Pusat Statistik (2010), from www.http://sp2010.bps.go.id, 2010.
- Cribb, Robert (2004), "Pancasila (Pantja Sila)", in Southeast Asia: A Historical Encyclopedia from Angkor Wat to East Timor, ed. Ooi Keat Gin, California, 2004.
- Effendy, Bahtiar, Islam and the State in Indonesia, Institute of Southeast Asian Studies, Singapore, 2003.
- Eliraz (2008), "Distinctire Clntemporaru Voice: Liberil Islam Thousht in Indonesia", in Studia Islamika, Vol. 15, No 3, Indonesia, 2008.
- Fealy, Greg and Hooker, Virginia and Sally White (2006), "Indonesia", in Voice of Islam in Southeast Asia ,Singapore :institute of southeast asian studies, Singapore, 2006.
- Gross, Max L (2007), A Muslim Archipelago: Islam and Politics in Southeast Asia, Government Printing Office, Washington, DC, 2007.
- Haji Salleh, Muhammad, An Introduction to Modern Malaysian Literature, ITBM, Kuala Lumpur, 2009.
- Hamid, Ismail (1997), "Kitab Jawi: Intellectualizing Literary Tradition", in Islamic Civilization in the Malay World, Ed. By Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur and Istanbul, 1997.
- Hashim, Rosnani, Reclaiming the Conversation Islamic Intellectual Tradition in the Malay, E.D by: Rosnani Hashim, The Other Press, Selangor:Malaysia, 2010.
- Hooker, M.B., Islam in South-East Asia, Brill ,Lieidene, 1983.
- Indra Putri, Rima Sari, Anti Terroism Cooperation between the National Agency for Contraterrorism and Civil Society: Study Case of Muhammadiyah Disengagement, 2012.
- Lapidus, Ira M., A History of Islamic Societies, Cambridge University Press, 1999.
- Legge, J. D., Sukarno: A Political Biography, Published by Alan Lane, London, 1972.
- Milner, Anthoney, The Malays, Published by John Wiley & Sons, Malaysia, 2011.
- Mutalib, Hussin (1997), "Islamic Malay Polity in Southeast Asia", in Islamic Civilization in the Malay World, Ed. By Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur and Istanbul, 1997.
- Noer, Deliar, the Modernist Muslim Movement in Indonesia: 1900-1942, Oxford University Press, Kuala Lumpur, 1978.
- -. Ricklefs, M. C, a History of Modern Indonesia since 1200, Palgrave Macmillan,

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]

USA, 2008.

- Roff, William R., Studies on Islam and society in Southeast Asia, University of Hawaii Press, Singapore, 2009.
- Purwanto, Bambang (2004), “Soekarno (Sukarno) (1901-1970)”, in Southeast Asia: A Historical Encyclopedia from Angkor Wat to East Timor, ed. Ooi Keat Gin, California, 2004.
- Syamsuddin, M.Sirajuddin, Religion & Politics in Islam : The Case of Muhammadiyah in Indonesia's New Order” (Ph.D. dissertation, University of California Los Angeles, U.S.A, 1991.
- Syed Husin Ali, The Malays: their problems and future, The Other Press, Kuala Lumpur, 2008.
- Tamara, Nasir (1997), “The Ummah: Rising to the Challenges With Special Reference to Indonesia” in Islamic civilization in the malay world, by mohd taib osman, kuala lampur and Istanbul ,1997.
- Tan, Linda (1999), "Syed Shaykh: His Life and Times" in The Real Cry of Syed Shaykh al-Hady, E.D by: Gordon, Alijah, Malaysian Sociological Research Institute, Kuala Lumpur, 1999.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.3.5]